

یکشنبه ۶ آبان ۱۳۸۶ - ۲۸ اکتبر ۲۰۰۷

رضا اغنمی: بررسی کتاب

وضعیت زن در سنت و در تحول اسلام

اثر منصور فهمی، ترجمه تراب حق شناس و حبیب ساعی، انتشارات: اندیشه و پیکار، آوریل ۲۰۰۷

کتاب، با یادی از آزاده زن مبارز - خانم پوران بازرگان - که به تازگیها رخت از جهان هستی بریست، خاطره تلخ سرگذشت زنان آگاه و فشارهای تحمیلی برآنان، در جامعه های عقب مانده را یاد آور میشود.

در «یادداشت برای ترجمه فارسی» معلوم میشود که اثر فوق با همین نام، رساله دکتری منصور فهمی از مسلمانان مصر است که "در سال ۱۹۱۳ در دانشگاه سوربن (پاریس) از آن دفاع شده و تا همین یکی دو دهه پیش به ورطه طرد و فراموشی افتاده بود." در ادامه همین یادداشت آمده که این کتاب به شدت سانسور شده «جادارد که در برابر چنین جنایتی فاحش ولو پس از صدسال، واکنش منطقی نشان داده شود...»

در هم‌رایی با نظر مترجمان، سانسور و علل اختفای نزدیک به صد ساله این اثر، اگر هم به چالش گرفته شود، چه نتیجه مثبتی خواهد داشت؟! نویسنده جوان مصری، مانند هر نویسنده آزاد و مستقل بدون ترس و واژه‌ها از تکفیر و دار طناب، دنبال کشف حقیقت بوده است و «... از آنجا که پرورده روحه انتقادی عصر نهضت (رنسانس عربی) است جسارت آن را دارد که به چیزی جز حقیقت احترام نگذارد و به همین دلیل زبان او بت شکنانه میشود.» ص ۱۰

حال که این دفتر در اختیار نسل حاضر قرار گرفته، سزاوار است به احترام نویسنده سر تعظم فرود آورده و سپاسگزار انتشارات اندیشه و پیکار و مترجمان عزیز باشیم که با درایت و دقت و نثری روان، این اثر پژوهشی را در اختیار علاقمندان قرار داده اند.

در پیشگفتاری به قلم محمد حربی، فکر نقاد و منطق تاریخی او، خواننده را با روان جامعه عرب مدرن آشنا میکند. تحولات فکری درباره حقوق زن، با نگاهی متفاوت با گذشته، اما در همان بستر فرهنگی، به چالش گرفته میشود که بسی امیدآفرین است.

«مسئله زنان»، مسئله خانواده، اخلاق جنسی یکی از هسته های مرکزی ست که حسرتخواران گذشته از آنجا آغاز میکنند و با بازگشت به عقب، چیزی را بازسازی میکنند که نسلی به نابودی آن همت گماشت. این هسته یعنی پدرسالاری، تقدس خود را از اسلام گرفته اما مستقل از آن است.» ص ۹
از قول عایشه زن جوان حضرت محمد آمده است:

«... يك روز جرأت کرد شوهر خود را که به تازگی همسری نوین برگزیده و مورد تأیید قرآن قرار گرفته بود به سخره خطاب کرده میگوید: " ای رسول خدا، میبینم که خدا همواره آماده است ترا به هوای دلت برساند" نه پیغمبر و نه هیچ کس دیگری، از این پس، منکر این گفته نشده اند.» ص ۱۱

حربی در این پیشگفتار، سخن جالبی دارد. میگوید:

«این باور که با توجیه و بزرگ کردن تاریخ میتوان آرمان زنان را پیش برد توهمی پیش نیست.»

منصور فهمی نشان میدهد که "تاریخ اسلام و تکامل آن" است که زن را به بردگی جدید کشیده است. "با وجود این، علیرغم آنکه موقعیت زن رسماً در مرتبه ای نازل قرار داشت، او موجودیت خاص خود را دارا بود، سخن میگفت. میاندیشید و عمل میکرد... و اگر نقش دوگانه زن را در این جامعه باستانی و در جامعه کنونی اسلام با یکدیگر مقایسه کنیم میتوانیم با ارنست رنان هم‌منظر باشیم که میگوید: "زن عرب در زمان محمد به هیچ رو با این موجود کودنی که حرمسرای خلیفه عثمانی را انباشته‌سنختی نداشته است." ص ۱۴

نویسنده، دردیباچه با ذکر افسانه‌های تاریخی در اثبات استقلال فکری زن عرب، موقعیت گذشته او را یاد آور میشود:

«اصولاً ورثه مذکر جایی برای زن باقی نمیگذارد و این فقط بعدهاست که در نتیجه حمایتی که اسلام از زن نمود پذیرفته شد که در کنار آنان (ورثه مذکر) و در محدوده ای اندک، به زن نیز بخشی از میراث تعلق گیرد.» ص ۲۴

در عربستان پیش از اسلام، زن مشخصه ای داشت که به کلی با آنچه مشخصه زن مسلمان است تفاوت دارد. پیش از اسلام، او نقشی اجتماعی داشت، حال آنکه پس از اسلام به نظر میرسد که... خانه باید تنها مشغله زن باشد، یعنی باید در آن محبوس بماند.» ص ۲۶

متأسفانه نویسنده در این مقایسه نظری، هیچگونه سند و مدرکی از مسئولیت زن در امور اجتماعی را ارائه نمیدهد. تا حدود اختیاراتش روشن شود. به ویژه آنکه بلافاصله در ادامه همین بحث، از وابستگی عاطفی زن به برادر و خانواده پدری میگوید:

«بدین ترتیب زن عرب در عهد باستان هرچند در برابر اقتدار مرد صغیر به شمار میرفته ولی امکان آن را داشته که شخصیتی احراز نماید بهره مند از هر آنچه در محیط اجتماعی محل زیست اش وجود داشته است.» ص ۲۸

اینگونه کلی گویی هرگز در اثبات نقش اجتماعی زن نیست. وقتی درباره مسئولیت های زن، در خارج از

خانه سکوت میکند، میرساند که زن، در حصار چهار دیواری منزل محبوس است و در عرصه های گوناگون اجتماعی نقشی ندارد. به کارگیری "احراز شخصیت" هم دال بر آزادی فکر زن نیست. نویسنده، وقتی اذعان دارد که "اصولاً ورثه مذکر جایی برای زن باقی نمیگذارد... و زن در برابر اقتدار مرد صغیر بشمار میرفته"، آشکارا مهر تایید بر نفی حقوق انسانی او میگذارد، محجوری و صغیری مادام العمر زن در فرهنگ عرب باستان را یاد آور میشود.

با این اشاره های مستند است که، نویسنده با درایتی قابل تحسین، اعتقاد و احترام رسول خدا به زنان را

مطرح میکند. با ذکر نوآوریها و رفتارها و سفارش های متفاوت پیامبر، تصویری از آشوب و هرج و مرج های عشیرتی را به زمانه دگرگونی نشان میدهد.

فراموش نباید کرد: عصر جاهلیت و اوج بت پرستی در عربستان است که حضرت، يك تنه، بار رسالت را بردوش میکشد. با حضور بت‌های گوناگون از هر نوع ش، و ده ها گردنکش پراکنده در سرزمینی سرشار از خشونت، با مردمانی حامل میراث های ازلی با ذهنیت های لبریز از اوهام و جن و پری، و با چنین فرهنگ ریشه دار کهن؛ آئین نوی را عرضه میدارد.

گذشته از آن، مگر دریونان باستان با آن همه فلاسفه که مهد تمدن فکر و اندیشه و فلسفه جهانی بوده، زن، نقش اجتماعی مهمی داشته؟ کمتر سند و مدرکی در دست است که از تعهدات اجتماعی زن در جامعه یونان و روم باستان سخن شایسته ای گفته باشد. عربستان که جای خود دارد!

اما بی تردید مناطقی در عربستان بوده که زنان دربارهٔ حجاب و پوشش خود محدودیت چندانی نداشته اند. آفتاب داغ و سوزان عربستان، شرایط زندگی با صحرانوردی و چادر نشینی و جنگ و قتالی که تنها حرفهٔ مردان قبایل بود، ایجاب میکند که: حجاب زن نه به مفهوم - چادرچاقچور -، با معیارهای امروزی مورد سنجش قرارگیرد، بل که با شرایط پانزده قرن پیش، درپوششی ساده منظور شود که با شیوه های طبیعی اقلیمی هم همخوانی بیشتری دارد. در این باره : پوشش ساده و روسری زنان ایلات و شاهسون های پراکنده در کشورمان بهترین مثال است. قبل از انقلاب اسلامی بین همین خانواده ها يك چادر نماز برای نمونه پیدا نمیشد.

در عربستان، آنطوری که خانم فاطمه مرنیسی مینویسد زن های عرب در دوران ظهور حضرت محمد با روی باز در میان مردان در کوچه و بازار آزاد و میهمانیها حضور داشتند. مگر به زمان جنگ قبایل که برای جلوگیری از غارت و دستبرد، زن ها را دور از انظار نگاه میداشتند و پنهان میکردند . این روایت نویسنده در تأیید نظریهٔ بالاست :

« احتمال دارد که در جامعهٔ اعراب عهد باستان که جنگ بین قبایل دائماً رخ میداده و زن را همچون يك غنیمت ارزشمند میبروده اند، مرد، از همان آغاز، به منظور دفاع و حمایت از او، وی را در جاهای مستحکمی که از دسترس حملهٔ دشمن در امان باشد نگهداری میکرده است. بنا بر این او را محبوس کردند تا از او بهتر حمایت کنند.» ص ۲۹

پیامبر اسلام، این سنت باستانی را بهم میزند. برای تجلی شخصیت ذاتی زن، او را به قلب حوادث خونین میدان جنگ میکشاند. میخواهد، زن را، با واقعیت زندگی محیط خود آشنا کند. با چشم و گوش باز، زندگی را بشناسد. خود باشد و خودش. قائم به نفس باشد. خشونت را، کینه را. ذات پوچ عدالت را لمس کند. عدالت موعود، که تیغهٔ زهرآلود شمشیر قدرت، در میدان جنگ رقم میزند .

سختگیری برخی از یاران حضرت رسول به مانند عمر بن خطاب، پیامبر اسلام را مجبور میکند تا از نظرات آنان تمکین کند. شواهد زیادی در دست است که پیامبر تا مدت ها با سختگیری زنان و خانه نشینی آنها مخالفت میکرد. همان، حضور زنان در میدان جنگ، بهترین معرف رفتار و روش واقع بینانهٔ آن حضرت بوده. کمتر شنیده شده که بعد از رحلت رسول خدا، خلفا یا فرماندهان جنگی در جنگ ها زنی همراه خود داشته باشند.

اما سرانجام حریف نخبگان و مردان قدرتمند زمان خود نمیشود. نوآوری های آزمایشی او شکست میخورد. خشونت مردانه، به روایت اسلامی زن را به حبس ابد در خانه محکوم میکند. نویسنده خصلت های متفاوت رسول خدا را در «محمد و زن و محمد برای همه قانون میگذارد و خویش را مستثنی میدارد» به دقت میشکافد:

« امتیازاتی که شارع اسلام برای خویش در نظر گرفته تقریباً همه فصول قانون را شامل میشود. از جمله اینکه پس از خوابی عمیق بی آنکه تجدید وضو کند به نماز پرداخت که بگوید "چشمان من در خواب اند ولی روح همواره بیدار است" همچنین در حالی که روزه دار بود با نوازش عایشه از بار سنگین روزهٔ طولانی رمضان میکاست توجیهی برای این امتیاز یافت و آن اینکه بوسه های پیامبر از شهوت عاری ست.»

« پیامبر چند همسری را محدود کرد ولی حدی را که برای دیگران وضع کرده بود در مورد خود زیر پا میگذاشت.» ص ۳۳-۳۲

فهمی، دربارهٔ ازدواج رسول خدا با زینب بنت جحش، همسر پسر خواندهٔ خود که در يك دیدار غیرمنتظره سخت عاشق و دل بستهٔ او میشوند مینویسد:

« ... با عشق سوزان به زینب به خانهٔ خود بازگشت. از همان روز، طرح ازدواج با او را ریخت

به رغم آنکه آداب و رسوم موجود در جامعه ازدواج با همسر پسرخوانده او را نمی پذیرفت اما خداوند که از آنچه محمد دردل داشت آگاه بود او را سرزنش کرد که صمیمیت نداشته و عشق خود را پنهان کرده است. لذا خداوند راز محمد را آشکار کرد و زینب را به همسری پیامبرش درآورد. ... به تعبیر ظریف عایشه در روایات، خداوند "بدون تأخیر پیامبر را به هوای دلش رساند" ص ۴۴

اینکه خداوند باریتعالی در همه ازدواج های حضرت رسول دخالت مستقیم داشته، حتا با از میان برداشتن هرگونه مانع، ونفی رسوم جاری، وسیله کامیابی حضرتشان را هموار میکرده اند، فصلی از تسلط پیامبر به روان مردم وهوشمندی او را روایت میکند، در بهره برداری از رسالت خود. پیامبر اسلام در تمام زناشوئی ها، خداوند را راهنما و مشوق خود معرفی میکند. همه ازدواج ها و کامیابی هایش را، در نتیجه مشورت و مصلحت با خدا میداند. آنچه اهمیت دارد، علیرغم رعب و وحشتی که دشمنانش از مکافاتهای آشکار و پنهان داشتند؛ باورعموم به رسالت رسول خداست که پذیرفته اند.

برگ هائی از این دفتر درباره حسادت و تحمل حضرت محمد و رفتارایشان با زنان، اختصاص دارد که در بیشتر کتب اسلامی به آن اشاره شده است.

«محمد را در روایات و سنن، به عنوان کسی توصیف میکنند که به رغم اقتدار الهی که از آن خود میدانست، در خانواده از خودمدارا و تحملی بی نظیر نشان میداد. برای او بارها پیش آمده بود که درمشاجره هایی که بین زنان رخ میداد دشنام هائی نصیبش شود و بی پاسخ بگذارد...» ص ۴۷

با احترامی که پیامبراسلام به زنان خود قائل است همچنانکه در اوایل رسالت با رفتارهای ملایم در حفظ حرمت زنان گام برمیدارد، موفق نمیشود و بی نتیجه میماند و به مرور، نه تنها نمیتواند سنن جاری عرب را از بین ببرد؛ بلکه بر حصر و فشار افزوده میشود. .

مینویسد: «یک روز که محمد به قضاوت مشغول بود، زنی شوهرش را متهم کرد که به او سیلی زده است. محمد خیلی ساده وهمانطورکه بین مردان قضاوت میکرد، قاعدتا باید قانون قصاص را در این امور به اجرا میگذاشت. ولی تردید کرد که چنین کیفر سختی را نسبت به شوهر مقصر روا دارد. خداوند به او وحی کرد که قضاوتی به نفع مرد اعمال کند. در قرآن آمده است "مردان بر زنان مرجح اند" واتهام رد شد.» ص ۵۰

باورکردنش مشکل است خدای آفریننده جهان چرا باید بین این دو انسان تفاوت قائل شود؟ یکی را بر دیگری ترجیح دهد؟ این چه عدالت است که مرد خاطی مصون از قصاص میماند، اما زن، در ارتکاب جرم و خطا ولو به سهو، باید قصاص و جزای دینی را تحمل کند!

اینگونه احکام و نزول وحی های متفاوت، مسئله تشکیک را در همان سال های اولیه هجرت برسرزبان ها انداخت و بعدها توسط روشن اندیشان اسلامی بازنگری به قوانین دینی را مطرح کرد.

رسول خدا، با انتساب رسوم جاری به خدای آفریننده جهان، سنن عرب را قرآنی میکند. با دمیدن روحی بر آن شیوه های باستانی، با نزول کتاب آسمانی رسالت بزرگ خود را به پایان میرساند. عربستان را از جنگ و غارت و فلاکت و پراکندگی قرون و اعصار نجات میبخشد.

تغییر رفتار و نظرات حضرت محمد در طول حیات، چه در امور شخصی و چه در امور رسالت اگرچه قابل بحث و فحص است، اما باید به اهل فن وا گذاشت. اما آنچه اهمیت دارد اینست: که تفاوت ها و ضد و نقیض ها را با در نظر داشتن شرایط زمانه وقوع حوادث باید وارسید و داوری کرد. مثلا اگر در دوران ازدواج با خدیجه کبری با آن همه احترام از او یاد میکند، یا با کلامی زیبا و عاشقانه عایشه را "موطلائی عزیز" خطاب میکند، چه انگیزه هایی سبب میشود که بعدها زن را به موجودی شیطانی تنزل میدهد!

« ... او به مرد توصیه میکند که هرگز با یک زن تنها نماند و فقط در حضور کسی که از

خویشان زن باشد با او ملاقات کند. [میراث یهودیت]. پیامبر که از حساسیت غیرعادی اش بیخبر نیستیم - حساسیتی که خودش به خودش نسبت میدهد - به چنین خلوتی که میتواند فرصتی برای مداخله شیطان فراهم کند با نگاهی هراسان مینگردد. او از وسوسه میترسد و اندیشه اش را به نحوی بیان میکند که به تعبیر ترتولیان نزدیک است که میگوید: "زن، تویی دروازه شیطان." صص ۵۱ - ۵۰

اینکه: حساسیت نامحدود رهبران مذهبی به مسائل جنسی، که در نظرشان تمام گناهان صغیر و کبیره طنازی زنان ختم میشود، از همین گونه روایت ها نشأت گرفته باشد!

از سوی دیگر صدور احکام و احادیث بسیار در حفاظت زنان و دورنگهداشتن آن ها از انظار مردان، بی اخلاقی و بی بند باری مرد و زن عرب را تداعی میکند. آبشخور اصلی تردید و بی اعتمادی مهار نشدنی به زن در خانواده ها، نشان از سنت های دیرینه و ملموس دارد. این مسئله، حداقل دو هنجار را یادآور میشود:

۱- اینکه تجاوز جنسی قبل از اسلام در جامعه عرب رواج داشته.

۲- اینکه عشقبازی و روابط جنسی بین زن و مرد آزاد بوده است.

در بررسی اوضاع فرهنگی عرب باستانی، تجاوز، بیشتر هماهنگ است تا روابط آزاد بین زن و مرد. بر همین پایه است که پیامبر اسلام در مرحله ای از دوران رسالت در جلوگیری از تجاوزات جنسی به زنان، با نزول آیات قرآنی به مردان توصیه میکند که چارچشمی مواظب زنان باشند. پیامبر، با چیرگی کامل به روان فرهنگ عرب، با انتساب به فرمان الهی، سرکوب و تضییقات این قشر عظیم را در جامعه عرب نهادینه میکند. ملایمت هایش بی اثر میماند. با آینده نگری، بیشتر در حفظ قدرت نظام نوپاست. و در این دگر گونیهاست که پرسش ها درباره رفتارهای متفاوت و ضد و نقیض بی پاسخ میماند:

وقتی مقام و منزلت زن عرب در حد دروازه شیطان تنزل پیدا میکند، دیگر بحث فضیلت انسانی مادر و پاکیزگی عصمت و شرافت زن و حدیث "بهشت زیر پای مادران است" دیگر چه صیغه ایست؟ جامعه ای که مادران، خوش نشین دروازه شیطان هستند وقاعدتا سراسر آلوده گناه، چگونه سر از بهشت در میآورند؟ و این چگونه بهشتی است که زیر پای دروازه بانان شیطان مفروش شده است!

علیرغم اینکه آن بزرگوار کم نظیر تاریخ بشری، برای تثبیت حقوق زنان کمر همت بسته، با توجه به حضور برخی سنت ها و حامیان اسلام - که اکثرا نخبگان قوم بودند - در بحران قدرت قبیله ای، رنگ باخته تمیز سره از ناسره را سخت مشکل کرده است.

مثلا رسول اکرم جایی چنان بر زن حرمت میگذارد و با کرامت از او یاد میکند که خواننده از نوآوری هایش آن هم در اوج بت پرستی عربستان حیرت میکند:

«زمانی که اصحاب از او پرسیدند چگونه در نماز از او به ستایش یاد کنند. پاسخ داد "بگوئید درود خدا بر محمد، زنانش و فرزندانش". ... محمد میگوید: "اگر پول را خرج همسر کنند ثواب بیشتری دارد تا آن را صرف جهاد نمایند."» ص ۵۳

این اثرسنجیده فهمی، در تبیین اوضاع آشفته عرب، بازتاب دقیق زمانه صدر اسلام در جامعه عشیرتی عربستان است. صدور احکام متفاوت و چه بسا ضد و نقیض را باید از این دریچه نگاه کرد و سنجید. تا اثر

دگرگونیهای دائمی در جامعه بدوی، علیرغم صبر و حوصله دائمی رسول خدا، گه گاهی باعث تنش هایی میشد که در این دفتر آمده است را درک کرد. فهمی با نشان دادن دو روی سکه و شمردن قدرت و ضعف ها، واقعیت ها را توضیح میدهد. به صراحت مینویسد:

«... گفتارها و اعمال بسیار زیادی به محمد نسبت میدهند که برخی مسلما از او نیست و تنها انعکاس وضعیتی است که در جامعه اسلامی در مرحله تکوین خود میزیسته و از اینجا است اینهمه تنوع و

تضادهائی که بروز کرده است.» ص ۵۴

در بخش «حجاب و حصر زنان»، بازهم روایت های متفاوت ادامه دارد که در نهایت، در کشورگشائی های تدریجی با ادغام در سنت های فرهنگی اقوام و ملل، حجاب و سایر مناسک مذهبی اسلام تثبیت میشود. با شکل گیری پیشوایان مذهبی در بین ملل مغلوب و تازه مسلمان شده، قدرت دینی ابزار رعب و سرکوب را فراهم میسازد و تضادها به صورت امر طبیعی رواج پیدا میکند. اختلافات مذاهب اربعه و شیعه نموداری از این تضادهاست. در بستر این ناهم اندیشیهای عقیدتی پیشوایان مذهبی ست که: امروزه حجاب زنان در برخی کشورهای اسلامی بعنوان مصالح سیاسی به کار گرفته میشود.

رعایت حرمت و پذیرفتن سفارش های خلیفه دوم عمر بن خطاب و در نظر داشتن خواست نخبگان، شیوه ایست که رسول خدا برای موفقیت در رسالت خود، پیش میگیرد. با پیام های و تشویق های همان هاست که روز به روز عرصه حیات بر زنان تنگتر میشود.

«بر اساس آنچه در سنن و روایات آمده کسی که به پیامبر توصیه کرده زنانش را در خانه حبس کند عمر ابن الخطاب یکی از دوستان اوست. "ای رسول خدا، زنانت هم با مردان درستکار و هم با مردان نادرست برخورد دارند کاش به زنانت که که ام المؤمنین (مادر مؤمنین) اند دستور میدادی که در خانه بمانند ... وی خطاب به پیغمبر که در دادن چنین دستوری تردید میکرد گفته است: "زنانت را در خانه حبس کن." و عمرگویا از هیچ وسیله ای برای ترغیب محمد به اخذ چنین تصمیمی فروگذار نمی کرده است.» ص ۵۸

حضرت رسول در اوایل رسالت خود به زنان اجازه میداد، در مسجد نماز بگزارند و صورت و دستشان باز باشد، و یا: «محمد همراه با همسر اول و پسرعموی جوان خود برای نماز جماعت به کعبه رفتند. زنان تا آنجا در زندگی مشترک عمومی مشارکت میورزیدند که باعث نگرانی مردان میشد. ...» ص ۶۸. این بار در اثر تصمیم اطرافیان و از همه بیشتر خلیفه دوم، به خانه نشینی و محبوس شدن اجباری زن ها، به حضرت محمد فشار میآورد. در همین فضای مغشوش اجتماعی، زنان پیامبر که شب ها برای قضای حاجت به بیرون میروند مورد تعقیب و مزاحمت مردان قرار میگیرند. در اثر شکایت زنان به رسول خدا، مردان مزاحم پوزش خواسته و میگویند آنان را برده پنداشته اند.

« برای پیشگیری از چنین اشتباهی بود که محمد مقرر کرد زنان آزاد با پوششی که برتن میکنند خود را از کنیز متمایز کنند.» ص ۶۱

مفهوم غائی اینکه، مزاحمت یا تجاوز به زن برده مجاز است ولو با حضور رسول خدا که پیام آور برابری انسان هاست.

میراث یهودیت در صدر اسلام، با شدت تمام حفظ شد. روایتها در کلیت، توجیه خودکامگی مردهای بی بند و بار در شیوه های مدون و رنگارنگ نهادینه گردید. بعد از وفات پیامبر اسلام با تدوین قرآن (۱)، پستی و حقارت زن با آیه های قرآنی رسمیت دینی پیدا کرد. بگومگوهای آشکار و پنهان درباره "قرآن عثمان"، ودست بردن در آیات اولیه، بر سر زبان ها افتاد که مورد بحث ما نیست. از سویی بهشت برین را زیر پای مادران پهن کردند؛ از سوی دیگر، همین زن را با صفات شیطانی محجور و نیمه انسان ش خواندند.

بازهم روایتی شنیدنی از رسوم جاری زمان :

« ... درمکه زنان جوان خواستار ازدواج بدون حجاب از خانه خارج میشدند و یک بار دورخانه کعبه طواف میکردند تا فرصتی برای مردان فراهم شود و کسانی که مایل اند از زنان خواستگاری کنند.»

ص ۶۳

آنطوریکه از پژوهش‌های فہمی نتیجہ گرفته میشود، اسلام ہراندازہ کہ از دوران رسالت حضرت رسول فاصلہ میگیرد، آزادیہای محدود زن، توسط جانشینان و اعقاب پیامبر محدود ترمیشود تا میرسد بہ محبوس شدن حبس دائمی زن درخانہ. گو اینکہ بذر این حصر وانزوا از موسی پیامبر یہود بود.

"موسی طی گفت و گو با ابلیس، توصیہ زیررازاو شنید کہ ہرگز با زن درمکانی تنها نشود، زیرا شیطان درآنجا حاضر حاضرخواہدشد تا اورا وسوسہ کند." ص ۱۲۹. جامعہ بت پرست عربستان نیز این شیوہ را داشت و در رسالت پیامبر اسلام تأثیر گذاشت.

توضیحات نویسندہ، علیرغم نگرش ہائی کہ درتضاد با فکر نقاد و سنتہای فکری منقدین امروزی ست، با این حال درگشودن وضع آشفنہ جامعہ عربستان دوران اولئہ رسالت، موفق است. درک درست او از مشکلات پیامبراسلام، صداقت داوری ہایش را برجستہ تر میکند.

فہمی مینویسد:

« ... ماپیش ازاین اشارہ کردہ ایم کہ سنن وروایات مغشوش اند ودرآن بہ محمد واصحاب اوآرائی نسبت دادہ شدہ کہ متعلق بہ آنان نیست واین نکتہ رانقد تاریخی ثابت کردہ است.» ص ۷۷

کشورگشائی های اعراب و توسعه اسلام در سرزمین های مغلوب، ہراندازہ کہ مردان را در کامیابی های جنسی سیراب میکند، درمقابل، تضييع حقوق انسانی و تحکیم پایہ های فلاکت و حقارت زن را فراہم میسازد و میرسد بہ زمانی کہ خلیفہ دوم فاطمی درمصر، خروج زنان ازخانہ را ممنوع میکند و بہ کفایشان دستورمیدہد کہ برایشان پوتین ندوزند! ص ۷۶

اینکہ با ہمہ سختگیریہا و محبوس کردن زنہا، فرمانروایان با مدل های جدید و تغییرلباس، جلوه های تازہ ای بہ زندگی آنان میدادند را، فریبی بیش نمیتوان ارزیابی کرد.

« فرمانروایان عباسی دربغداد و فرمانروایان ترک درمصر، گاہ بطور مستقیم و گاہ بطور غیرمستقیم مدها و لباس ها را تغییر میدادند ... لباس زنان را بہ سمت حصر وانزوا سمت و سو میدادند.» ص ۷۹

پایان بخش اول

یکشنبه ۶ آبان ۱۳۸۶ - ۲۸ اکتبر ۲۰۰۷

رضا اغمی

(بررسی کتاب، بخش دوم)

وضعیت زن در سنت و در تحول اسلام

اثر منصور فهمی، ترجمه تراب حق شناس و حبیب ساعی

انتشارات: اندیشه و پیکار، آوریل ۲۰۰۷

بهبود وضع برده ها و به ویژه کنیران در دوره اسلامی، یکی از مواردیست که نویسنده با موشکافی و حساسیت نظری، فصلی را به آن اختصاص داده است.

«... حصر زنان آزاد همان بود که در جامعه عهد باستان فراهم شده بود. اسلام آمد و محمد سرنوشت کنیز را به لحاظ نظری بهبود بخشید ... درباره وضعیت بردگان [نزد مسلمانان] ... درمقایسه با وضعیت بردگان نزد یونانیان رومیان و اعراب عهد باستان، خیلی ملایم تر است ... ارباب بنا بر فقه ابوحنیفه، نمیتواند برده اش را بکشد. اصل بر این است که ارباب نمیتواند او را مجازات نماید. مگر در مواردی که پیش بینی شده است. هرگونه مجازات غیر انسانی مستوجب محاکمه ارباب نزد قاضی است.» صص ۲- ۸۱

رفتار انسانی حضرت رسول با برده ها نیز قابل تأمل است فهمی مینویسد: پیغمبر کاری میکرد که به برده احترام بگذارند. چنانکه ممنوع کرد مؤمنین آن ها را برده خطاب کنند و مقرر نمود که آن ها را "پسرم" یا "دخترم" صدا بزنند ... و چنین است که حضرت، فرماندهی سپاه اسلام را به هنگام فتح فلسطین، در سال دوم هجری به غلام خود اسامه سپرد ... شمار زیادی از شخصیت های درخشان تاریخ اسلام از فرمانروایان گرفته تا فرماندهان سپاه، از دانشوران تا ادیبان همانا از بردگان بوده اند. ... از خلفای اندلس هیچکس نبود که از زنی آزاد زاده شده باشد. مضمون صریح این وقایع گواه بر این است که با زنان برده خوشرفتاری میشده ...» صص ۲- ۹۱

و در ادامه همین موضوع آمده است: «سلاطین قسطنطنیه [خلفای عثمانی در استانبول] که سران مقدس جامعه اسلامی اند همگی از کنیزان زاده شده اند. ... در قاهره با کسانی روبرو میشویم از وزیر گرفته تا فرماندهان لشکر و قضات و صاحب منصبان در عالیترین مقامات که در نوجوانی شان به هزار یا هزار و پانصد فرانک خریداری شده اند.» ص ۹۹

دراثر رفتارهای ملایم، و توصیه های رسول اکرم، زنان برده نسبت به زنان آزاد از امتیازهایی برخوردار بودند که قابل ذکر است. بی حجاب بودن کنیزان و ظاهر شدن آنها با سرو صورت باز و بازوان عریان در کوچه و بازار، سبب رواج فحشا شد. آمده است که:

«در برخی شهرها مانند مدینه و مکه کنیزان به روسپیری میپرداختند. ... همه کنیزان مدینه سربرهنه از خانه خارج میشدند و گاه با بازوان لخت.» ص ۹۴

از روابط جنسی البته با ذکر کلمه [نامشروع] بین مردان برده و زنان مؤمنین نیز در این دفتر سخن رفته که بیانگر سرپیچی زنان و اعتراض به سنت هاست و گواه عصیان زنان که روایتی: حدیث مقابله به مثل را یادآور میشود:

«یکی از مؤمنین، مرد جوانی را که از بردگانش بود در حال ارتباط نامشروع با یکی از زنان غافلگیر کرد و بی آنکه سخنی بگوید مقصرا اخته کرد. برده مجازات شده به پیامبر شکایت برد و محمد وی را بدون تأخیر آزاد کرد.» ص ۹۱

درباره ارثه زنان از دارائی پدر یا شوهر، به این بهانه که زنان در جنگ ها شرکت نمیکردند، سهمی نیز در غارت نداشتند، رسول خدا مقرر کرد که زنان را سهمی بدهند.

«سهمی جز نصف مرد نداد. باوجود این شاهد پیشرفتی چشمگیر هستیم.» ص ۱۰۵

نویسنده در تزییع حقوق ومقایسه سهم ارثیه زنان در نقاط دیگر جهان مثال هایی میآورد و مینویسد:

«چه در دولت های کاتولیک (زیر نظر واتیکان) و چه در انگلستان پروتستان، پسرودختر برادر برخوردار اولویت دارد. محتوای قانون مودن (Code de Modene) در ایتالیا که تا همین چندی پیش حق زنان را به پروتستان) پسر بر دختر برادر برخوردار اولویت دارد ... در ایتالیا که تا همین چندی پیش حق زنان را به نیمی از سهم تقلیل میداد ... در روسیه، دختر یک هشتم اموال منقول و یک چهارم اموال غیر منقول میبرد ...» ص ۱۰۶

در فصل حجر (محجوریت حقوقی) و شهادت بر اساس جنس، نویسنده مدرک مطمئن و قابل پذیرشی ارائه نمیدهد. مینویسد:

«برای ما به درستی معلوم نیست چه انگیزه هایی بنیانگزار شریعت اسلام را به مقرر کردن چنین حجری وا داشته است.» فهمی در پژوهش های خود در گذشته فرهنگ عرب، نتوانسته دلیل دندانگیری برای این ستم فاحش به زن پیدا کند. و به این اکتفا کرده که در سنجش جنسیت با اشاره به "توانائی جنگی" مرد، مسئله را رها کند و بذر این پرسش بنیادین را در ذهن خواننده بپراکند: که با پیشرفت جامعه های بشری، این تبعیض ننگ آور را چگونه و با چه منطقی میتوان با حقوق انسان در دنیای معاصر پیوند داد و تحمیل ستم عریان و خفت و خواری به زن مسلمان را تا کجا و تا چه عصری باید ادامه داد!

این سبک پژوهشی فهمی، خواننده را به وادی شك و یقین میکشاند و سر انجام، رها در فضایی بین آن دو و بیشتر در شك و تردید از کنارش بگذرد. تا حل مسئله را واگذارد به رود همیشه جاری زندگی که در پیشرفت زمان میرسد به رنسانس، اتفاقی که در مسحیت افتاد.

رضایت در ازدواج و شرایط زناشویی و حق طلاق زن، از مباحث خواندنی این دفتر است (با توجه به اوضاع زمان) با نوآوری های رسول خدا تحول تازه ای را به وجود آورده. «یکی از پیشرفتهای مهمی که شریعت اسلام تحقق بخشیده، قائل شدن به نوعی آزادی برای زن است که میتواند شوهری را بپذیرد یا رد کند.» ص ۱۰۸

همچنین در مسئله طلاق، اسلام به زن حق طلاق داده است که در یهودیت هرگز نبود.

«اسلام در عین آنکه از یهودیت بسیار الهام گرفته اما از این جهت يك گام از آن پیشرفته تر است. زیرا یهودیت تنها طلاق يك طرفه را قبول دارد» ۱۱۶

در این دفتر بارها اشاره شده که حضرت محمد در نظر داشت وضع زنان را بهبود بخشد. قرائن بسیاری نیز تمایلات قلبی آن حضرت در درگرونی حقوق زنان را تأیید میکند، اما نباید فراموش کرد که هدف اساسی ایشان یکپارچگی قبایل بدوی عرب و یک دست کردن جامعه آشفته و پریشان حالی بود که قرنها به قتل و غارت و خونریزی معتاد بودند. زنده به گور کردن دختران و ارتزاق از طریق چپاول نمونه ایست از زندگی بدوی عرب در طلوع اسلام. رسول خدا، اما هدف والایی داشت. بهم ریختن بنیادهای کهن و پوسیده عرب بود برای ساختن دنیایی با تلفیق میراث های عربی. بیجا نبود که: با عربی خواندن زبان خدا، خدا را نیز با شخصیت عرب وارد دین نوپا کرد و در رأس اسلام نشاناند و آفریننده هستی معرفی کرد.

نتیجه گیری در پایان این دفتر:

منصور فهمی در نتیجه گیری اثرش میگوید:

«ما در پی آن نیستیم که درباره نفوذ آئین های الهی دیگر در اسلام به جست و جو بپردازیم. بلکه در پایان پژوهش خود، نظریه نویسندهگان معتبر دنیای اسلام را درباره مساله زن خواهیم آورد.» ص

۱۲۹

او با وفاداری به عقاید پیامبر اسلام، پیامدهای زمانه را دنبال میکند. با نگاهی ژرف به اسطوره آفرینش و اشاره به این نکته قرآنی که "برخورد همسان دوجنس در برابر وسوسه شیطانی، خدای قرآن زن را فرودست شمرده است" از تناقض رفتار و آشفنگی های جامعه عرب در سالهای اولیه رسالت و فشارهایی که به آن حضرت وارد میشد، نکته مهمی را به مخاطبینش القاء میکند. میگوید: "یهودیت، وسوسه شیطان را تنها به گردن حوا میاندازد، قرآن اما، این وسوسه را به هردو یعنی آدم و حوا نسبت میدهد." این نگاه تازه، یعنی: تقسیم گناه وسوسه بین آدم و حوا، عقیده همسانی زن و مرد، رأی ناب و بدیع پیامبر اسلام را میرساند و گواهی ست از بینش هوشمندانه و نوگرایانه حضرت که خلاف سنت جامعه گام برمیداشت؛ آنهم در شرایط چیرگی فرهنگ بدوی مردانه که هرگونه تغییرات را با مشکلات فراوان و خونین روبرو میکند. و از این منظر است که بلافاصله نقل "فرودست شمردن خدای قرآن زنان را" یادآور میشود؛ به نظر میرسد قصد او، تصویر تضادها و چندگانگیها در چهره واقعی رسول خدا و نشان دادن باطن مردی سیاستمدار و کشورگشاست که واقعیتها را عرضه میکند. مردی که از طفولیت، با درد و غم یتیمی بزرگ شده، بدون پشتوانه مالی و جانی، با تکیه به اعتقادات خلاق خودش، از میان قومی بت پرست و گرفتار در چنبره رسوم قتل و غارت و عنان گسیختگی، به چنان رسالت بینظیر دست یازیده؛ و از شبهه جزیره عربستان با "قرآن" و "الله" صلا سرداده، خداوند یکتا را جایگزین خدایان گوناگون سنگی و چوبی کرده و آئین تازه ای برای نخستین بار بنیان نهاده است را، بشناساند.

نویسنده، اشاره هایی دارد در آرای این مقفوع و غزالی درباره زنان، که گواهی ست از نفوذ ویرانگر افکار عرب، در بین اندیشمندان عرب زده ایرانی؛ و جالب اینکه در مقایسه افکار ایرانیان با متفکران اندلسی "ابن حزم"، در باره زن، تحول رو به کمال مسیحیت و تاثیر آن در مکتب اندلس، نظر خواننده را جلب میکند.

نویسنده در بررسی افکار اندیشمندان اسلام، به این نتیجه میرسد که:

«ادبیات اسلامی در تحول تاریخی خود، موقعیت زن را هرچه بیشتر تنزل داد و از این طریق نیز خود نیز بی مقدار گشت.»

باید اضافه کرد که "محبوس شدن زن" نه تنها ادبیات بلکه در کلیت دین اسلام را بسی آسیب پذیر کرد. هر اندازه که، زن مسلمان از معنویت انسانی و شخصیت سازندگی خود فاصله گرفت جهل و فساد نیز در جامعه های بسته اسلامی گسترش پیدا کرد. پدرسالاری با قدرت بلامنازع زن را در محاق به بند کشید. فهمی این فاجعه را به درستی دریافته است:

«... زنان مسلمان در زندگی نزار و پنهانی خود در اعماق خانه ها می پژمردند. ...»

انحطاط زن مسلمان واقعیتی است که نمیتوان آن را انکار کرد.» صص ۳۶ - ۱۳۴

حرف آخر این که:

گمراه کننده خواهد بود، رسالت حضرت محمد را در رسالت دین اسلام خلاصه کردن و نادیده گرفتن تلاش هایش درباره حقوق زنان. البته زمینه های سنت دینی قوی بود و زمانه میطلبید دین نوپایی از گوشه ای در منطقه ظهور کند. اما هدف اساسی پیامبر، کشورگشایی بود با آرمان های بزرگ و چیرگی سیاسی به منطقه. ضعف دولت های ایران و بیزانس را به درستی درک کرده بود. برنامه

درستی نداشت اما هدف دقیق بود. آشفتگی و ضد و نقیض ها و نزول احکام متضاد در اثر فقدان برنامه منسجم بود. بطور کلی هدف دقیق با برنامه های متفاوت پیش میرفت که موفق هم شد.

بنا بر این علیرغم تحلیل های نقادانه و جامعه شناسانه نویسنده، با این نظر فهمی نمیتوان موافق بود که مشغولیت ذهنی اش [رسول خدا] "سازمان دادن جامعه عرب بود" ص ۱۳۶. البته که بود اما نه تنها جامعه عرب در محدوده عربستان. بلکه چیرگی و تسلط عرب با دین عربی به جهانی بود که از زادگاهش باید شروع میشد. همانگونه که قبلا توضیح داده شده. رسالت حضرت کشورگشائی بود. جهانی بود. با فرهنگ عربی. تاخت و تازهای اولیه به ایران و بیزانس و کشتار مردم بیگناه و انتقال خیل اسیران و عمدتا زنان، اشغال سرزمین های دیگران هدف های سلطه جویانه آئین نوپای اسلام را توضیح میدهد.

حال با گذشت پانزده قرن از بعثت رسول خدا، جامعه های اسلامی با همان روش پوسیده عشیرتی عرب،

حدیث مزیت مردان در "توانائی جنگی" را به صورت "قانون" در هزاره سوم به زنان مسلمان تحمیل کرده، و درصیانت سنن گذشته، بخش بزرگی از جامعه را به بند کشیده اند! با تأسف باید گفت که تحولات و دگرگونیهای پانزده قرنی جهان، کوچکترین اثری در نوب افکار منجمد پیشوایان دینی نکرده است.

حذف تمایز جنسی زن و مرد، در آخرین سده های قرن گذشته، در اروپا و امریکا، زمینه های توجه به حقوق زنان در کشورهای اسلامی را فراهم آورد و در آغاز تجددخواهی در ایران کم و پیش سرو صدایش به گوش ایرانیان رسید. در نهضت مشروطه با وجود مشارکت خیل زنان در تمامی زمینه ها، کارمفیدی برای زنان سراغ نداریم. همانقدر که چند نفری از زنان وارد روزنامه نگاری و بخش هایی از هنر شدند باعث افتخار در منطقه گردید. تلاش های کم نظیر دوران پهلوی ها اثر مثبت در شناسائی و تساوی حقوق زن و مرد را برای جامعه روشن کرد (۲). امروزه با همه سختگیریها و علیرغم تحمیل قوانین بدوی در جمهوری اسلامی به زن، نشانه های زیادی در دست است که تحول فکری زنان و توانائی های بالقوه آنان با رشد شگفت آوری در حال پیشرفت است. حتا، از کمرنگ تر شدن تمایزات جنسی در برخی خانواده های مذهبی سخنان تازه به گوش میرسد که امیداست در آینده های نزدیک هرچه بیشتر این تمایز ننگین، رنگ ببازد همانطوری که در مسیحیت رنگ باخت و زن را، در همه عرصه های زندگی بعنوان عضو فعال و سازنده و مسئول، برابر با مرد شناخت. این اتفاق، در ایران نیز دیر یا زود رخ خواهد داد.

منصور فهمی با درک مقام والای رسول خدا، همه جا با افکار مثبت آن حضرت به درستی برخورد کرده، انعطاف و اخلاق و رفتار پیامبر را توضیح داده. از خوشرفتاری هایشان با زنان، حتا دریاری رساندن به کارهای خانه، پیامبر را مردی خانواده دوست و آشنا با خلق و خوی زنان معرفی کرده است. همچنان که تمکین حضرت از سفارش های خلیفه دوم را روایت کرده است.

حال پرسش ایتست که: آیا در نخستین دهه هزاره سوم، یعنی پانزده قرنی که از آغاز اسلام میگذرد، میتوان با قوانین زنگار بسته قصاص و شمشیر، انسان ها و به ویژه زنان را در حصار اندیشه های دوران بدوی به بند کشید؟ پاسخ، البته که منفی ست. دیر یا زود زن مسلمان از قید و بند زنجیرهای تحمیلی آزاد خواهد شد. نفس مهربان و گرم مادرانه خود را در اشکال دیگری به زیباییهای هستی خواهد دمید. قائم به ذات و استوار، درباره حجاب و پوشش خود تصمیم خواهد گرفت.

فهمی نیز بر این گمان پای میفشارد:

برویرانه های نهادهای درهم کوفته شده نهادهای دیگری شکل خواهند گرفت.

و آخر سر اینکه: با افکار و عقاید امروزی، نباید به داوری گذشته های دور پرداخت. حتا درنگاه به گذشته های نزدیک نیر میباید که: شرایط زمان و مکان، حوادث تاریخی را سنجید و قضاوت کرد.

پانویس ها:

۱ - قرآن به زمان عثمان و چندسالی بعد از رحلت پیامبر اسلام تدوین شد.
۲ - نمونه زنده آن کیفیت حجاب در ایران است. در گذشته ها، یعنی در دوران رضاشاه که کشف حجاب به امر دولت اجباری شد، خیلی ها به همان وضع با حجاب ماندند و آنهایی که به پیشوازش رفتند که برای همیشه چادر و چاقچور را کنار گذاشتند. در دوران سلطنت محمدرضاشاه هم همان وضع ادامه داشت. اجبار و فشار دولتی در باحجاب بودن و بی حجاب بودن زنها در بین نبود. نقش فزاینده زنها در مراکز آموزشی و علمی و تربیتی، راه هماهنگی با تمدن غرب را گشوده بود و آزادی زن، فارغ از ممیزی های خانوادگی و مذهبی پیش میرفت. حضور چند وزیر زن، با داشتن مسئولیت های بزرگ در مراکز تصمیم گیری، حتا در کابینه های آن دوران، لیاقت و توانائی های زنان را به اثبات رساند. غرض اینست که در خانواده های متدین نیز در سطح کشور، مسئله حجاب از آن شدت و تعصبات گذشته اش کاسته شده بود. با ورود آقای خمینی به عرصه سیاسی ایران، و راه انداختن مکانیزم بیم و هراس و وحشت خونالودشان، رجعت به گذشته ها را فراهم آورد. حجاب زن به عنوان سلاح برنده به کار گرفته شد. رواج بیسابقه فحشا و فساد، تنها واکنشی ست در رهگذر این سختگیری های نابخردانه! که به طور بیسابقه جامعه را آلوده کرده است.

برگرفته از سایت عصرنو:

<http://asre-nou.net/1386/aban/6/m-vazeiate-zan1.html>

<http://asre-nou.net/1386/aban/6/m-vazeiate-zan2.html>

یادآوری ناشر: کتاب فوق را می توانید به بهای پنج یورو + هزینه پست از طریق مکاتبه با انتشارات اندیشه و پیکار دریافت کنید:

post@peykarandeesh.org

همین کتاب و دیگر انتشارات ما روی سایت زیر در دسترس علاقه مندان است:

<http://www.peykarandeesh.org/BookIndex.html>